

نوع مقاله: پژوهشی

درون مایه‌های مشترک در سوره «لقمان» و کتاب «امثال سلیمان»


فاطمه حاجی اکبری / استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کوثر بجنورد

f.hajiakbari@kub.ac.ir

 orcid.org/0000-0002-8946-0614

heydari@kashanu.ac.ir

حسین حیدری / دانشیار گروه ادیان دانشگاه کاشان

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶

چکیده

درخصوص هویت حقیقی لقمان بحث‌های مختلفی در درازنای تاریخ شکل گرفته که ازجمله آنها ارتباط لقمان و حکمت‌های وی با اهل کتاب و یا آموزه‌های آنان است. در سوره «لقمان» مصادیق حکمت به‌طور مستقیم بیان شده و در سنت یهودی نیز کتاب «امثال» نماد حکمت در عهد قدیم است. در نگاه یهودیان حضرت سلیمان و در نظر مسلمانان لقمان دو چهره شاخص افراد حکیم و پارسا به شمار می‌روند. گزارش‌های تفسیری و تاریخی قابل توجهی درخصوص فراوانی حکمت‌های لقمان در عرف و ادب و فرهنگ اهل کتاب وجود دارد که هر کدام در جایگاه خود قابل بررسی است. این پژوهش با هدف رسیدن به آموزه‌های مشترک ادیان ابراهیمی بر آن است تا درون مایه‌های مشترک در بخشی از دو کتاب آسمانی یعنی سوره «لقمان» در قرآن و کتاب «امثال» در تورات را در دو سنت اسلامی و یهودی در حد توان بررسی کند. روش جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای بوده و روش پردازش آنها تطبیقی است. براساس بررسی‌های تطبیقی صورت گرفته در این جستار، جز آنکه در این دو اثر، شباهت‌های مضمونی دیده می‌شود، همسویی درخداشناسی و فرجام‌شناسی و حکمت به چشم می‌خورد، ولی شگفتا همانندی‌های بسیار در جملات و عبارات نیز یافت می‌شود. این اشتراکات مضمونی فی‌الجمله می‌تواند از جنبه متنی و نه رجالی احتمالاتی را درخصوص هویت حقیقی لقمان تأیید کند.

کلیدواژه‌ها: تورات، کتاب امثال سلیمان، لقمان، حکمت.

درخصوص سوره «لقمان» و تفسیر آن آثار فراوانی، به‌ویژه در حوزه شیوه‌های تربیتی لقمان وجود دارد؛ از جمله: «مظاهر توظیف الحکمة فی ادب الاطفال حکمة لقمان الحکیم نمودجا» (یوسف، ۱۴۳۴ق)؛ «الگوی تربیت فرزند بر مبنای تحلیل و تفسیر سوره لقمان» (همت‌بناری، ۱۳۹۷)؛ «بررسی مبانی مهارت‌های اجتماعی از دیدگاه لقمان حکیم» (مقدس، ۱۳۹۰)؛ «شیوه‌های تعلیم و تربیت در اندرزهای لقمان حکیم» (حسینی لمردی، ۱۳۸۹)؛ «حکمت‌های دهگانه لقمان در قرآن» (محمدی اشتهازدی، ۱۳۸۰)؛ *لقمان حکیم* (انصاریان، ۱۳۷۸)؛ *مربی نمونه: تفسیر سوره لقمان* (سبحانی، ۱۳۵۴)؛ *اصحاب کهف و لقمان حکیم و حوادث تاریخی بعد از مسیح* (امین، ۱۳۹۰)؛ *حکمت‌نامه لقمان* (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵)؛ *ساختار معنایی سوره لقمان با محوریت حکمت قرآنی* (میناخانی، ۱۳۹۴)؛ *تبیین روش‌های تربیتی حضرت علی و لقمان* (مرادی، ۱۳۹۲)؛ «بررسی شخصیت تاریخی لقمان حکیم» (موحدی، ۱۳۸۰)؛ «تحقیق حول شخصیت لقمان الحکیم و التطبيقات الواردة فيه» (حجتی و موحدی محب، ۱۴۲۳ق)؛ *لقمان حکیم و بررسی تطبیقی حکمت‌های او در روایات فریقین با نگاهی به متون عهدین* (موحدی محب، ۱۳۸۱)؛ *لقمان الحکیم و حکمه* (رمضان یوسف، ۱۴۲۰ق)؛ *من وصایا القرآن الکریم نظرات حول وصایا لقمان الحکیم* (البلتاجی، ۱۴۱۸ق)؛ *نظرات فی وصیة لقمان و نهج التربية فی القرآن* (نابلسی، ۱۴۳۶ق).

اما درخصوص هویت لقمان، موحدی در بررسی شخصیت تاریخی لقمان حکیم، پس از قبول واقعیت تاریخی شخصیت لقمان حکیم به‌عنوان پیش‌فرض، به صورت عمده به نقد نظرات و مقایسه‌هایی می‌پردازد که در آنها لقمان حکیم با بعضی از شخصیت‌های معروف افسانه‌ای یا تاریخی یکی پنداشته شده است. در این زمینه قول به یکی نبودن لقمان حکیم با لقمان بن عاد اساطیری، ازوپ، اخیقار، بلعم باعورا، الکمئون، و الکمان نقل و نقد شده است (موحدی، ۱۳۸۰).

برحسب تتبع نویسندگان، هرچند پژوهش‌هایی با نگاه تطبیقی میان قرآن و تورات و یا بعکس تاکنون انجام شده، اما درخصوص مقایسه تطبیقی میان سوره «لقمان» و کتاب «امثال سلیمان» در موضوع مدنظر هیچ پیشینه‌ای یافت نشد و از این نظر این پژوهش نوآوری دارد.

۱. بررسی مفاهیم

۱-۱. لقمان

یکی از حکمای راستین و بزرگ تاریخ، لقمان است که نامش در قرآن دو بار یاد شده و یک سوره از قرآن (سی و یکمین سوره) به نام اوست. خداوند او را در قرآن بر این اساس یاد کرده که فرزندش را به ده اندرز بسیار مهم و سرنوشت‌ساز نصیحت کرده و این نصایح در ضمن پنج آیه سوره «لقمان» ذکر شده است.

مطرح شدن لقمان و حکمت‌های دهگانه او در قرآن و یک سوره به نام او در کتابی که جاودانی و جهانی است، بیانگر آن است که خداوند می‌خواهد نام لقمان و روش و نصایح حکیمانه او را بر پیشانی ابدیت ثبت کند و در مقابل

دیدگان همه قرار دهد تا شیفتگان حق و عرفان در هر نقطه و عصری در پرتو آن هدایت یابند و از فیوضات آن برای پاکسازی و بهسازی خویش بهره جویند (محمدی اشتهداری، ۱۳۸۰).

جاویدان خرد عنوان کتابی است که بخش‌هایی از حکمت لقمان در آن بیان شده است. این کتاب پیش از اسلام وجود داشته است و نشان می‌دهد که لقمان از دیرباز منظور نظر بوده است (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷). در اینکه لقمان در چه دورانی و کجا زندگی کرده، تبار و نژاد او چه بوده و چه پیشه و شغلی داشته، روایات متفاوتی وجود دارد و پژوهش‌های جامعی در این باره صورت گرفته است (رسالة دکتري لقمان حکيم و بررسی تطبیقی حکمت‌های او در روایات فریقین با نگاهی به متون عهدین (موحدی محب، ۱۳۸۱) اثری نمونه و جامع در پژوهش‌های متبّعانه درباره لقمان به شمار می‌آید).

آنچه مسلم است اینکه لقمان از نظر بیشتر بزرگان و اندیشمندان انسانی حکیم به شمار آمده است، ولی مقام نبی و وصی برای او قابل اثبات نیست، گرچه نظر برخی غیر از این است (موحدی محب، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶-۱۷۸). از جمله مواردی که در پوشیده ماندن تبار، زندگی و شخصیت لقمان می‌تواند قابل تأمل باشد این نکته است که حکمت، خود به‌تهایی بارزش است و از شناساندن و معرفی شخص حکیم اهمیت بیشتری دارد و اینکه حکمت با تبار و نوع مذهب و مانند آن کاری ندارد، بلکه خواست خدا و قابلیت فطری و اکتسابی خود انسان شرط است. خود لقمان نیز درباره حکمتش چنین می‌گوید: «این به خواست خدا بود، و ادای امانت کردن و راستگویی و سکوت در برابر آنچه به من مربوط نبود» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۲، ج ۱۷، ص ۴۵). همسویی دین و حکمت لقمان تا جایی است که در اندیشه وی نجات از مسیر دین و ایمان می‌گذرد و گناه مانع نجات و موجب گمراهی و هلاکت است.

به گزارش ابن‌قتیبّه، ثعالبی و دیگران، حکمت‌های لقمان در عرف و فرهنگ اهل کتاب رواج داشته و در کتاب *الامثال فی النثر العربی القدیم* آمده است که بخشی از حکمت‌ها و اخبار لقمان را کعب‌الاحبار که از یهود مدینه بود، در بین مردم منتشر ساخت (برای نمونه‌های بیشتر، ر.ک: موحدی محب، ۱۳۸۱، ص ۵۵-۵۱).

۱-۲. سوره «لقمان»

سوره «لقمان» مکی است و سیاق تمام آیات آن دعوت به توحید و ایقان و ایمان به معاد و عمل به کلیات شرایع دین است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۲۰).

۱-۳. کتاب «امثال سلیمان»

کتاب «امثال سلیمان» (۷۰۰ق.م) مجموعه‌ای ارزشمند از پندها و اندرزهای حکیمانه است که تقریباً همه معانی به کار رفته در عهد قدیم را دربر می‌گیرد و بسیاری از مفاهیم سی و یک باب آن قابل بررسی تطبیقی با قرآن است.

واژه «حکمت» بیست بار در قرآن آمده است که از مجموع آنها می‌توان به نکات ذیل رسید:

حکمت عطیه‌ای الهی است و خداوند به هر که بخواهد عطا می‌کند. حکمت با کتاب الهی یا قرآن پیوند ناگسستنی دارد و در بسیاری از موارد کتاب و حکمت در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند. حکمت قابل تعلیم است. حکمت معادل با خیر فراوان است. حکمت با سپاسگزاری پیوند مستقیمی دارد و حکمت در قرآن جنبه‌ای عملی و کارکردی دارد. قرآن نیز پنج بار با تعبیر «حکیم» وصف شده است (اسلامی، ۱۳۸۶).

علامه طباطبائی حکمت در قرآن را قضایای صادق مطابق با واقعی می‌داند که سبب‌ساز سعادت انسانی است؛ همانند حقایق فطری که اساس تشریعیات دینی است (همان).

کتاب مقدس یهودیان **تَنַח** یا **تَنַח** (به عبری: תנ"ך)، شامل «تورات یا تورا» (به عبری: תורה، فرمان یا شریعت)، «نوییم» (به عبری: נביאים، کتب انبیا) و «کتوبیم» (به عبری: כתובים یا مکتوبات) است. کتاب «امثال» متعلق به دسته سوم، یعنی مکتوبات است که شامل کتاب‌های «مزامیر»، «امثال»، «روت»، «غزل غزل‌ها»، «جامعه»، «مراثی ارمیا»، «استر»، «دانیال»، «عزرا»، «نحمیا»، «ایوب» و دو کتاب «تواریخ ایام» می‌شود (دائرةالمعارف جودائیکا، ۱۹۹۶، ج ۳، ص ۵۷۷). بیشتر کتب روایی در بخش کتاب مقدس عبری، صورت نهایی خود را در قرن ششم ق.م یا پس از آن یافته است. همه مجموعه ۳۹ بخشی تنظیم شده تورات، نبوت و حکمت در نگاه یهودیان سنتی، آسمانی است (حیدری و حاجی اکبری، ۱۳۹۳). در «کتوبیم» انسان‌ها با خدا سخن می‌گویند. در عین حال این سخنان را خدا بر زبان آنان جاری می‌گرداند (حاجی اکبری و شکوری، ۱۳۹۹).

سه کتاب عهد عتیق شامل «امثال»، «جامعه» و «غزل غزل‌ها» به حضرت سلیمان علیه السلام منسوب است. انتساب این سه کتاب به سلیمان نبی وی را به عنوان انسانی حکیم و شاخص نزد یهودیان معرفی می‌کند (حیدری و کاردوست فینی، ۱۳۹۲). کتاب «غزل غزل‌ها» عشق و امید سلیمان در دوران جوانی را به تصویر می‌کشد. کتاب «امثال» حکمت و دانایی وی را در میان‌سالی نشان می‌دهد و کتاب «جامعه» حاوی اندیشه‌های فیلسوفانه سلیمان در آخر عمر وی است (کارش و هورویتر، ۲۰۰۶، ص ۴۸۷).

از نظر برخی از نویسندگان یهودی سلیمان در سنت، مقیاس و معیار حکمت بوده (اسکات، ۱۹۷۸-۱۹۸۲، ص ۵۷۷) و برخی او را خردمندترین فرد تاریخ اسرائیل به شمار آورده‌اند (سینگر، ۱۹۰۱، ج ۱۱، ص ۴۳۶؛ کومی، ۲۰۰۲، ص ۳۲۵).

برحسب متون مقدس عبری، سلیمان در دوران جوانی غیرت زیادی برای معرفت و حکمت داشت (اول پادشاهان، ۳: ۹-۱۲) و پادشاهان از اقصا نقاط برای شنیدن حکمت به دربارش می‌شتافتند. او استاد رشته‌های گیاه‌شناسی و جانورشناسی بود. او دانشمند، سیاستمدار، فرمانروا، تاجری معتبر، شاعر، سخنران و تحلیلگر مسائل اخلاقی بود (ر.ک: اول پادشاهان، ۹۴؛ هلی، ۲۰۰۰، ص ۲۵۶).

حکمتی که در کتاب «امثال» از آن سخن به میان می‌آید قطعاً مربوط به خود خداست. این حکمت در عمل آفرینش دست دارد (امثال، ۸: ۳۱-۳۲؛ همان، ۳: ۱۹-۲۰). از این‌روست که همچون منشأ رفیع حیات معرفی می‌شود و صاحب حکمت را از بدی محفوظ نگه می‌دارد و به سوی ترس از خدا و تمام مواهبی که از آن ناشی می‌شود، رهنمون می‌گردد. اما این حکمت هیچ‌گاه به‌طور مجرد در کتاب «امثال» ظاهر نمی‌شود. پس از معرفی او نزد خدا در باب ۸، وی همچون خانم خانه در باب ۹ شخصیت می‌یابد. دست یافتن به او مستلزم برخورداری از برخی حالات اخلاقی است.

موجود انسانی در کتاب مقدس تجزیه نمی‌شود و مراد از «حکیم» تمامیت انسان است. اصطلاح «حکیم» در کتاب مقدس اشاره به شخصی دارد که در امور و فنون گوناگون، از مهارتی عالی برخوردار است و افرادی که به آموزش و تعلیم و تربیت مشغول‌اند «حکیم» خوانده می‌شوند (کتاب مقدس ترسایان، ۲۰۰۳، ص ۵-۶). محتوای کتاب «امثال سلیمان» به نوعی با شریعت در ارتباط است و اهمیت دانش و خداترسی از جمله مضامین حکمت‌های سلیمان هستند. پذیرش نصایح پدر و مادر و آموزش خردمندان زبستن محتوای اصلی این کتاب است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۸، ص ۴۳).

درواقع سخنان حکمت‌آمیز سلیمان به صورت عقلی و اخلاقی همان شریعت خداوندی است که به صورت تمثیل و حکایت بیان شده است (حیدری و پاشایی، ۱۳۸۹). مطابق آیات قرآن، حکمت تنها به شایستگی نظیر پیامبرانی همچون داود، سلیمان، لوط و عیسی و یا افرادی در حد نبوت همانند لقمان اعطا شده است. درباره جایگاه ممتاز حکمت سلیمان و دانشی که خداوند به او داده، در قرآن و عهد قدیم اختلافی نیست (اول پادشاهان: ۳)؛ چنان‌که سلیمان حکمت را «همسر مثالی» خود می‌داند:

از عنفوان جوانی او را گرامی می‌داشتیم و در طلبش بودم. بر آن می‌کوشیدم تا به همسری‌اش گیرم و دل‌داده زیبایی‌اش گشتم... در خویشاوندی با حکمت، نامبرایی است و در دل‌بستگی به آن، شعفی شریف و در اعمال دستان آن، ثروتی زوال‌ناپذیر و در همنشینی پیوسته آن، خردمندی و در مصاحبت آن، نام‌آوری است. به هر سوی شتافتم و جست‌وجو کردم، تا آن را از آن خویش سازم. نوباوه‌ای نیک‌سرشت بودم و مرا نفسی نکو نصیب گشته بود، بل از آن روی که نیک بودم به کالبدی بری از آلودگی درآمدم؛ لیک چون دریافتم که جز به عطای خدای، دارندگی حکمت نتوانم - و این خود از خردمندی بود که دانستم نعمت از جانب که درمی‌رسد - ... (حکمت سلیمان، ۲: ۸ و ۱۷: ۲۰).

نگاه عهدین به حکمت چنین است:

اما حکمت کجا پیدا می‌شود... انسان قیمت آن را نمی‌داند... با طلا و آبگینه آن را برابر نتوان کرد... قیمت حکمت از لعل گران‌تر است (ایوب، ۲۸-۱۲: ۲۸).

خوشا به حال کسی که حکمت را پیدا کند؛ شخصی که فطانت را تحصیل نماید؛ زیرا که تجارت آن از تجارت نقره و محصولش از طلای خالص نیکوتر است. از لعل‌ها گرانبهاتر است و جمیع نغایس تو با آن برابری نتوان کرد... حکمت کامل و تمیز را نگاه دار. پس برای جان تو حیات و برای گردنت زینت خواهد بود. آنگاه در راه، به امنیت سالک خواهی شد و پایت نخواهد لغزید (امثال، ۱۸-۳: ۱۳).

در نگاه قرآن هم حکمت موهبت خدایی و «خیر کثیر» است: «يُوتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (بقره: ۲۶): (خدا) به هر که بخوهد حکمت می‌بخشد، و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است، و جز خردمندان کسی پند نگیرد.

اهمیت حکمت در هدایت، و نجات و رهایی از حماقت در ثمرات حکمت ذکر شده است. حکمت و حماقت تمام انسان‌ها را به سوی خود می‌خوانند؛ یکی برای هدایت و نجات و دیگری برای گمراهی و نابودی. تنها یک انتخاب بین این دو، سرنوشت فرد را به سوی نور و تاریکی تعیین می‌کند (امثال ۹/۸).

کاربردهای حکمت در قرآن نشان می‌دهد که در قرآن «حکمت» به معنای «معرفت علمی» است، در حدی که نافع باشد. پس حکمت حد وسط بین جهل و جریزه است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۲۱). بر این اساس حکمت در هر دو کتاب جایگاه والایی دارد. براساس آموزه‌های دو کتاب، حکمت و حماقت دو قطب متضادند که حکمت پیروان خود را به سوی هدایت، و حماقت به سوی هلاکت می‌کشاند.

معنای اصلی «حکمت» در عهد قدیم یک نوع بینش الهی است که به نظر و عمل حکیم صلاح و استواری می‌دهد. حکمت در عهد قدیم به‌مثابه عامل خداوند در امر آفرینش و تدبیر عالم معرفی شده است. فن و دانش نیز به‌مثابه مصداق حکمت در تورات کاربرد زیادی دارد. حکمت در عهدین یک نوع بینش توحیدی است که با ایمان و شناخت و عمل در تعامل است و بهره‌ر هر کس به مقدار توجه الهی و کوشش هر فرد و منزلت وجودی انسان متفاوت است (حیدری و پاشایی، ۱۳۸۹).

مثال‌ها و سخنان حکمت‌آمیزی که در عهد عتیق از زبان حضرت سلیمان علیه السلام بیان می‌شود وجهه علمی این حکیم را آشکار می‌سازد و او را به‌مثابه جامع علوم و حکمتی که در کتاب مقدس مطرح است، مطرح می‌نماید. ثمره حکمت در این کتاب، افزون بر ایمان و شناخت الهی، عدالت و انصاف و بصیرتی است که سبب دوری از گناه و بدی و کجروی و شرور می‌شود (همان).

مفهوم «حکمت» در قرآن و عهدین را می‌توان در دو بعد نظری و عملی دسته‌بندی کرد: جنبه نظری حکمت همان معرفت ذهنی و قدرت فهم و تدبیر است که شامل آگاهی و شناخت فرد شامل می‌شود؛ ولی حکمت عملی براساس همان حکمت نظری، در اخلاق و احوال فرد نمایان می‌شود، هرچند گاهی این دو همپوشانی دارند.

۲. سؤالات و فرضیه‌ها

این پژوهش با بررسی سوره «لقمان» و «امثال سلیمان» بر آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد: با توجه به اینکه هر دو بخش (یعنی سوره «لقمان» در قرآن و کتاب «امثال» در تورات) مشتمل بر نصایح حکیمانه هستند، بن‌مایه‌های مشترک آنها چیست؟ اشتراکات مضمونی دو کتاب تا چه حد می‌تواند هویت *لقمان* را با صاحب کتاب «امثال» مطابقت دهد؟

لازم به ذکر است که نویسندگان مقاله دو کتاب را فارغ از صحت انتساب کل اثر یا بخش‌هایی از آنها به مؤلفان آنان بررسی کرده‌اند.

۳. تناظرهای حکمی در کتاب «امثال سلیمان» و سوره «لقمان»

در آیات ابتدایی سوره «لقمان»، آیات این کتاب آسمانی با وصف «حکیم» توصیف شده است: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» (لقمان: ۲).

«امثال سلیمان» نیز خود را سبب دانستن حکمت و عدل و برای فهمیدن کلمات فطانت معرفی می‌کند (امثال، ۱: ۲-۱) و حکمت را از همه چیز برتر می‌داند. «پس حکمت را تحصیل نما و به هر آنچه تحصیل نموده باشی فهم را تحصیل کن» (امثال، ۴: ۷).

در ادامه آیات سوره «لقمان» این کتاب پر حکمت را «هدایت» و «رحمت» برای محسنین معرفی می‌نماید (لقمان: ۳).

عبارت «ای پسر من» در هر دو حکمت‌نامه اسلامی و یهودی مشاهده می‌گردد. در آیات ۱۳، ۱۶ و ۱۷ سوره «لقمان» و در کتاب «امثال» فقره ۱: ۸، ۱۵، و آغاز باب‌های ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ نیز این عبارت آمده است.

در ادامه، تناظرهای حکمی در سوره «لقمان» و کتاب «امثال» در دو محور حکمت نظری (خدانشناسی و فرجام‌شناسی) و حکمت عملی بررسی می‌شود:

۳-۱. حکمت نظری

۳-۱-۱. حکمت خدا در آفرینش هستی

الف. مطابق آیه ده سوره «لقمان»، آفرینش هستی، از خلقت آسمان‌ها، بدون ستون، کوه‌هایی برای استواری زمین، جانوران گوناگون و باران گرفته تا نباتات، همه برای انسان دارای فایده است، و آنچه در آسمان و زمین است برای انسان مسخر شده است (لقمان: ۱۰).

در کتاب «امثال» فقره ۲۷ نیز به فایده گیاهان و حیوانات برای انسان این‌گونه اشاره شده است: «علف را می‌برند و گیاه سبز می‌روید و علفه کوه‌ها جمع می‌شود. بره‌ها برای لباس تو و بزها به جهت اجاره زمین به کار می‌آیند (امثال: ۲۶) و شیر بزها برای خوراک تو و خوراک خاندانت و... کفایت خواهد کرد» (امثال: ۲۷، فراز ۲۵-۲۷). در جای دیگر در کتاب «امثال»، همانند سوره «لقمان» به آفرینش آسمان و زمین تحت حکمت خداوند اشاره شده است: «خداوند به حکمت خود زمین را بنیاد نهاد و به عقل خویش آسمان را استوار نمود. به علم او لجه‌ها منسق گردید و افلاک شبینم را می‌چکانید» (امثال، ۳: ۲۰-۱۹).

در کتاب «امثال» به حکمت خداوند در خلقت هستی این‌گونه اشاره شده است: «در کتاب خداوند هر چیز را برای غایت آن ساخته است» (امثال، ۱۶: ۴).

ب. در آیه بعدی سوره «لقمان» خداوند به ربوبیت و اولو‌هیت خود اشاره می‌کند و خلقت و تدبیر آسمان‌ها و زمین را به رخ انسان‌ها می‌کشد: «هَذَا خَلَقَ اللَّهُ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ» (لقمان: ۱۱).
 در کتاب «امثال» نیز درخصوص وجود ازلی خداوند و بنا نهادن آسمان، زمین و افلاک می‌خوانیم: «من از ازل برقرار بودم، از ابتدا پیش از بودن جهان. هنگامی که لجه‌ها نبود من مولود شدم، وقتی که چشمه‌های پر آب وجود نداشت. قبل از آنکه کوه‌ها برپا شود، پیش از تل‌ها مولود گردیدم. چون زمین و صحراها را هنوز نساخته بود و نه اول غبار ربع مسکون را. وقتی که او آسمان را مستحکم ساخت من آنجا بودم، و هنگامی که دایره را بر سطح لجه قرار داد، وقتی که افلاک را بالا استوار کرد و چشمه‌های لجه را استوار گردانید، چون به دریا حد قرار داد تا آب‌ها از فرمان او تجاوز نکنند و زمانی که بنیاد زمین را نهاد (۸: ۲۳-۲۹).

۲-۱-۳. خالق آسمان و زمین

مطابق آیه ۲۵ سوره «لقمان»، کفار نیز مانند عموم بشر به صورت فطری به توحید خداوند معترف‌اند و اگر از آنها سؤال شود که چه کسی آسمان و زمین را آفرید؟ اعتراف خواهند کرد: خداوند. «وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» (لقمان: ۲۵). این تعبیر که در آیات دیگر قرآن نیز مشاهده می‌شود (عنکبوت: ۶۱-۶۳؛ زمر: ۳۸؛ زخرف: ۹)، از یک سو دلیل بر آن است که مشرکان هرگز منکر توحید خالق نبودند و فقط به شرک در عبادت و شفاعت بت‌ها معتقد بودند و از سوی دیگر دلیل تجلی توحید به صورت فطری در همه انسان‌ها وجود دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۲، ج ۱۷، ص ۷۳).

طرفه آنکه در فقره ۳۰ کتاب «امثال» نیز همانند قرآن به روش پرسشی درباره خداوند این سؤال طرح می‌شود: «کیست که به آسمان صعود نمود و از آنجا نزول کرد؟ کیست که باد را در مشت خود جمع نمود؟ و کیست که آب را در جامه بند نمود؟ کیست که تمامی اقصای زمین را استوار ساخت؟ نام او چیست؟ بگو اگر اطلاع داری» (امثال، ۳۰: ۴).

۳-۱-۳. علم خداوند

در آخرین آیه سوره «لقمان» به وسعت علم خداوند و شمول آن به همه چیز، به‌ویژه به روز رستاخیز اشاره می‌شود: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ... وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (لقمان: ۳۴). در حقیقت، خداست که علم [به] قیامت نزد اوست... و کسی نمی‌داند در کدامین سرزمین می‌میرد. در حقیقت، خداست [که] دانای آگاه است.

در کتاب «امثال» نیز به حاضر بودن «هاویه» اشاره می‌شود:

«هاویه و ابدون در حضور خداوند است، پس چند مرتبه زیاده دل‌های بنی‌آدم» (امثال، ۱۵: ۱۱).

«همه راه‌های انسان در نظر خودش پاک است، اما خداوند روح‌ها را ثابت می‌سازد» (همان، ۱۶: ۲).

«هر انسان در نظر خودش راست است، اما خداوند دل‌ها را می‌آزماید» (همان، ۲: ۲۱).
 درخصوص عبارت «وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا» در آخرین آیه سوره «لقمان»، عبارت‌هایی مشابه درباره بی‌اطلاعی انسان از اموری که علم آن مخصوص خداوند است، در «امثال» آمده است:
 «درباره فردا فخر منما؛ زیرا نمی‌دانی که روز چه خواهد زاید» (همان، ۳۷: ۱).
 «زیرا که مصیبت ایشان ناگهان خواهد برخاست و عاقبت سال‌های ایشان را کیست که بداند؟» (همان، ۲۴: ۲۲).

۳-۱-۴. بشارت به راستان؛ خلود

در سوره «لقمان» به ایمان‌آوردگان و کسانی که عمل صالح انجام می‌دهند وعده جنات نعیم و خلود در آن داده شده است: «لَهُمْ جَنَّاتُ نَعِيمٍ» (لقمان: ۸)؛ «خَالِدِينَ فِيهَا» (لقمان: ۹). در فقره ۲ «امثال» نیز وعده خلود برای راستان این‌گونه ذکر شده است:

«راستان در زمین ساکن خواهند شد و کاملان در آن باقی خواهند ماند» (امثال، ۲: ۲۱).
 در فقره ۳۳ «امثال»، بند یکم نیز می‌خوانیم: «هرکس بشنود در امنیت ساکن خواهد بود.»
 «خداوند اعتماد تو خواهد بود و پای تو را از دام حفظ خواهد کرد» (همان، ۳: ۲۶).

۳-۱-۵. بازگشت کافران به سوی خدا

در آیه ۲۳ سوره «لقمان» درخصوص گروهی جاهل و لجوج که راه خدا را ترک گفته و به بیراهه رفته‌اند، به پیامبر می‌فرماید: بازگشت همه آنها به سوی ماست و ما آنها را از اعمالشان و نتایج تلخ و شوم آن آگاه می‌سازیم: «وَمَنْ كَفَرَ فَلْيَنْزِلْ كَافِرًا مَّرْجِعُهُمْ فَنَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (لقمان: ۲۳).

در همین باره در کتاب «امثال» می‌خوانیم: «و اما کسی که مرا خطا کند به جان خود ضرر رساند و هر که مرا دشمن دارد موت را دوست دارد» (امثال، ۸: ۳۶).
 در فقرات ۳۰ تا ۳۳ بند یکم کتاب «امثال» آمده است: «جاهلان از میوه طریق خود خواهند خورد و از تدابیر خویش سیر خواهند شد؛ زیرا ارتداد جاهلان ایشان را خواهند کشت.»

۳-۱-۶. عذاب غلیظ در آخرت

در توصیف حال گروه کافران در سوره «لقمان» آمده است که ذلیلانه و بالاجبار به عذاب غلیظ الهی کشانده می‌شوند: «نَضَطَّرُهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ» (لقمان: ۲۴)؛ ایشان را در عذابی پرفشار درمانده می‌کنیم.
 طرفه آنکه در کتاب «امثال» نیز طریق شیران به «ظلمت غلیظ» توصیف شده است:
 «و اما طریق شیران مثل ظلمت غلیظ است و نمی‌دانند که از چه چیز می‌لغزند» (امثال، ۴: ۱۹).

در فراز پایانی آیه ۳۲ سوره «لقمان» نیز کفران کنندگان الهی با عبارت «خَتَارِ كَفُورٍ» وصف شده‌اند که به معنای خائن ناسپاس و پیمان شکن است. در «امثال سلیمان» نیز به خیانت کاری شیرین اشاره شده است: «شیرین از زمین منقطع خواهند شد و ریشه خیانت کاران از آن کنده خواهد گشت» (همان، ۲: ۲۲).

۷-۱-۳. تسلیم و تمسک به پروردگار

در خصوص توصیف حال گروه محسنین در مقابل کافران در آیه ۲۲ سوره «لقمان» آمده است که محسنین به دستاویز محکم الهی چنگ می‌زنند: «وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».

چنگ زدن به دستگیره محکم، تشبیه لطیفی از این حقیقت است که انسان برای نجات از قعر دره مادگیری و ارتقا به بلندترین قله‌های معرفت و روحانیت، نیاز به یک وسیله محکم و مطمئن دارد که غیر آن همه پوسیده و پاره‌شدنی و فانی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۲، ج ۱۷، ص ۶۸).

در کتاب «امثال» نیز این تمسک به خداوند و عاقبت به خیری راستان آمده است:

«طریق‌های وی طریق‌های شادمانی است و همه راه‌های وی سلامتی می‌باشد. به جهت آنانی که او را به‌دست می‌گیرند، درخت حیات است و کسی که به او متمسک می‌باشد خجسته است (امثال، ۳: ۱۷-۱۸).

«دل تو به سخنان من متمسک شود و اوامر مرا نگاه دار تا زنده بمانی» (همان، ۴: ۴).

«اما هر که بر خداوند توکل نماید سرافراز خواهد شد» (همان، ۲۹: ۲۵).

«به تمامی دل خود بر خداوند توکل نما و بر عقل خود تکیه مکن» (همان، ۳: ۵).

۸-۱-۳. فرجام هستی

در بیان عمومی در آیه ۳۳ سوره «لقمان» همگان مخاطب قرار گرفته، از روز قیامت انذار داده می‌شوند و هشدار داده می‌شود که در آن روز هرکس چنان مشغول به خود است و در پیچ و خم اعمال خود گرفتار، که به دیگری نمی‌پردازد، حتی پدر و فرزند. «و برترسید از روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی‌آید، و هیچ فرزندی [نیز] به کار پدرش نخواهد آمد. آری، وعده خدا حق است. زنهار تا این زندگی دنیا شما را نفریبید، و زنهار تا شیطان شما را مغرور نسازد» (لقمان: ۳۳).

در «امثال سلیمان» نیز در فقره ۲۷ درباره توجه به اعمال خویش و ناپایداری دنیا می‌خوانیم: «به حالت گله خود نیکو توجه نما و دل خود را به رمه خود مشغول ساز» (امثال، ۲۳: ۲۷): «زیرا که دولت دائمی نیست و تاج هم نسلاً بعد نسل پایدار نیست» (همان، ۲۷: ۲۴).

۹-۱-۳. احاطه علم الهی بر تمام اعمال

در خصوص علم الهی و احاطه او به تمام اعمال انسان‌ها در آیه ۱۶ با اشاره به اینکه اعمال نیک و بد هر قدر

کوچک و کم‌ارزش و مخفی و پنهان باشد و همانند خردلی در درون سنگی در اعماق زمین و یا در گوشه‌ای از آسمانها مخفی باشد خداوند بر تمامی آنها آگاه است.

در کتاب «امثال» نیز به اشراف خداوند بر همه چیز این‌گونه اشاره شده است:
«چشمان خداوند در همه جا هست و بر بدان و نیکان می‌نگرد» (امثال، ۱۵: ۳).

۱۰-۱-۳. صفات الهی

خداشناسی و اسما و صفات الهی از جمله مباحث مهم در سوره «لقمان» است که در چندین آیه صفات الهی به صورت زوج کنار هم بیان شده‌اند؛ از جمله: «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (لقمان: ۲۸).

جالب است که در کتاب «امثال» نیز به همین ترتیب، یعنی اول به گوش و بعد چشم اشاره شده است:
«گوش شنوا و چشم بینا، خداوند هر دوی آنها را آفریده است» (امثال، ۲۰: ۱۲).
«اسم خداوند برج حصین است» (امثال، ۱۸: ۱۰).

در خصوص وصف «حکمت» در سخنان الهی در سوره «لقمان» می‌خوانیم:
«تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» (لقمان: ۲).

درباره توصیف خداوند به این وصف در «امثال» آمده است:

«من حکمتم و در زیرکی سکونت دارم و معرفت تدبیر را یافته‌ام» (امثال، ۸: ۱۲).

«مشورت و حکمت کامل از آن من است. من فهم هستم و قوت از آن من است» (همان، ۸: ۱۴).

در فرازهای پایانی سوره «لقمان» به زوج‌های وصف‌کننده خداوند اشاره شده است؛ همانند علیم و خبیر، لطیف و خبیر، عزیز و حکیم:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران: ۳۱).

«من دوست دارم آنانی را که مرا دوست دارند و هر که مرا به جد و جهد بطلبد مرا خواهد یافت» (امثال: ۸: ۱۷).

۱۱-۱-۳. کلمات الله

درباب کلمات الهی در سوره «لقمان» آمده است: «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (لقمان: ۲۷)؛ و اگر آنچه درخت در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد. قطعاً خداست که شکست‌ناپذیر حکیم است.

در کتاب «امثال» نیز در باب سی‌ام، مشابه همین عبارات در فقره ۴ پس از اشاره به خلقت آسمان و باد و آب و اقصای زمین در کلمات الهی آمده است: «تمامی کلمات خدا مصفاست. او به جهت متوکلان خود سپر است» (امثال، ۳۰: ۵).

همچنین در فقرات دیگر «امثال» از کلمات الهی یاد شده است:

«... اینک روح خود را بر شما افاضه خواهیم نمود و کلمات خود را بر شما اعلام خواهیم کرد» (همان، ۱: ۲۳).
 «از کلمات دهانم انحراف موزز» (همان، ۴: ۵).

نکته جالب دیگر آنکه در کتاب «امثال» سخنان الهی بدون اعوجاج وصف شده است: همه سخنان دهانم بر حق است و در آنها هیچ چیز کج یا معوج نیست» (همان، ۸: ۸) و در قرآن مشابه همین عبارت وجود دارد: «قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عَوْجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (زمر: ۲۸؛ کهف: ۱).

۲-۳. حکمت عملی

۱-۲-۳. عمل به کلیات شرایع

عمل کردن به کلیات شرایع از جمله اغراض سوره «لقمان» است. برای نمونه، دعوت به توحید «لاتشرك بالله» (لقمان: ۱۳)؛ اعتقاد به معاد «بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (لقمان: ۴) (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۱۲). در خصوص پایبندی به شرایع، نمونه‌های ذیل در کتاب «امثال» قابل تأمل است:

«دانادل احکام را قبول می‌کند» (امثال، ۱۰: ۸).

«خوشا به حال کسی که شریعت را نگه می‌دارد» (امثال، ۲۹: ۱۸).

«هر که شریعت را ترک می‌کند شیران را می‌ستاید» (امثال، ۲۸: ۴).

«هر که شریعت را نگه دارد پسری حکیم است» (امثال، ۲۸: ۷).

تقابل دو گروه نیکوکار و گمراه و ویژگی‌ها و فرجام ایشان از جمله بن‌مایه‌های مشترک در دو کتاب است. ادامه به این ویژگی‌ها اشاره می‌شود. (فرجام آنها در بخش حکمت نظری ذکر شد).

۲-۲-۳. فرجام نیکوکاران

در سوره «لقمان» «اقامه نماز»، «یتای زکات»، و «یقین به آخرت» از جمله ویژگی‌های محسنین برشمرده شده است. «آنان که از جانب پروردگارشان از هدایت برخوردارند، و ایشانند که رستگارند» (لقمان: ۴-۵).

در خصوص آخرت در «امثال» آمده است: «زیرا که البته آخرت هست و امید او منقطع نخواهد شد» (امثال، ۲۳: ۱۸).

درباره بخشایش از مال نیز در «امثال» می‌خوانیم:

«احسان را از اهلیش باز مدار هنگامی که بجا آوردنش در قوت دست توست» (همان، ۲۷: ۳).

«هر که به فقرا بذل نماید محتاج نخواهد شد» (همان، ۲۸: ۲۷).

«از مایملک خود خداوند را تکریم نما و از نوبرهای همه محصول خویش، آنگاه انبارهای تو به وفور نعمت پر خواهد شد» (همان، ۳: ۹-۱۰).

در خصوص رستگاری که در فراز پایانی آیه آمده است، در «امثال» مضمونی مشابه وجود دارد:

«هر که به استقامت سلوک نماید رستگار خواهد شد» (همان، ۲۸: ۱۸).

۳-۲-۳. فرجام گمراه‌کنندگان

در قرآن غذایی خوارکننده برای کسانی که اشتزای لهو حدیث دارند و مردم را گمراه می‌کنند و آیات خدا را به سخره می‌گیرند در نظر گرفته شده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَتَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان: ۶).

در کتاب «امثال» نیز لعنت خداوند برای مستهزئان ذکر شده است:

«کج خلقان نزد خداوند مکروهند... لعنت خداوند بر خانه شیران است... یقین که مستهزئین را استهزا می‌نماید» (امثال، ۳: ۳۲-۳۴).

«مرد لئیم و مرد زشت‌خوی با اعوجاج دهان رفتار می‌کند. در دلش دروغ هاست» (همان، ۶: ۱۲-۱۴).

۳-۲-۴. فطرت توحیدی

در خصوص خواندن خداوند در سختی‌ها در آیه ۳۲ سوره «لقمان» تشبیه جالبی آمده است: «وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ»؛ و چون موجی کوه‌آسا آنان را فراگیرد، خدا را بخواند و اعتقاد [خود] را برای او خالص گردانند، و [الی] چون نجاتشان داد و به خشکی رساند برخی از آنان میانه‌رو هستند، و نشانه‌های ما را جز هر خائن ناسپاسگراری انکار نمی‌کند.

هنگامی که دریا طوفانی شود و امواج کوه‌پیکر بالای سرشان قرار گیرد خدا را با اخلاص می‌خوانند. در کتاب «امثال» نیز شبیه همین تشبیه آمده است:

«چون خوف مثل تندباد بر شما عارض شود و مصیبت مثل گردباد به شما دررسد، حینی که تنگی و ضیق بر شما آید و آنگاه مرا خواهند خواند» (امثال، ۱: ۲۷-۲۸).

«آنگاه مرا خواهند خواند، لیکن اجابت نخواهم کرد و صبحگاهان مرا جست‌وجو خواهند نمود، اما مرا نخواهند یافت؛ چون که معرفت را مکروه داشتند و ترس خداوند را اختیار ننمودند و نصیحت‌م را پسند نکردند و تمامی توبیخ مرا خوار شمردند» (همان، ۲۸-۳۰).

۳-۲-۵. غرور و روی برگرداندن از آیات الهی

خداوند در توصیف مستکبران نسبت به آیات الهی، مثال جالبی می‌زند: هنگامی که آیات ما بر آنها خوانده می‌شود مستکبرانه روی برمی‌گرداند؛ گویی آیات ما را نشنیده‌اند؛ گویی اصلاً در گوش‌هایشان سنگینی است.

«وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَوَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بَعْدَآبِ أَلْيَمٍ» (لقمان: ۷)؛ و چون آیات ما بر او خوانده شود، با نخوت روی برمی‌گرداند؛ چنان‌که گویی آن را نشنیده [یا] گویی در گوش‌هایش سنگینی است. پس او را از عذابی پردرد خبر ده.

در کتاب «امثال» نیز کسانی که گوش خود را از شنیدن شریعت برمی‌گرداند این‌گونه توصیف شده‌اند:

«هر که گوش خود را از شنیدن شریعت برگرداند دعای او هم مکروه می‌شود» (امثال، ۲۸: ۹).
 «خداوند خانه متکبران را منهدم می‌سازد...» (همان، ۱۵: ۲۵).
 «تکبر شخص او را پست می‌کند، اما مرد حلیم‌دل به جلال خواهد رسید» (همان، ۲۹: ۲۳).

۶-۲-۳. سپاسگزاری از پدر و مادر

در دو آیه ۱۴ و ۱۳ سوره «لقمان» بحث از نعمت وجود پدر و مادر و زحمات و حقوق آنها و شکر پدر و مادر در کنار شکر الله مطرح شده است. «و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او باردار شد؛ سستی بر روی سستی. و از شیر بازگرفتنش در دو سال است. [آری، به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.»

در «امثال سلیمان» نیز اهتمام ویژه‌ای به توجه و فرمان‌پذیری از پدر و مادر شده است:

«ای پسر من، تادیب پدر خود را بشنو و تعلیم مادر خویش را ترک ننما؛ زیرا که آنها تاج زیبایی برای سر تو و جواهر برای گردن تو خواهد بود» (امثال، ۱: ۸ و ۹).

«آنها را بر دل خود دائماً ببند و آنها را بر گردن خویش ببویز (همان، ۲۱). حینی که به راه می‌روی تو را هدایت خواهد نمود و حینی که می‌خواهی بر تو دیده‌بانی خواهد کرد و وقتی که بیدار شوی با تو مکالمه خواهد نمود (همان، ۲۲)؛ زیرا که احکام ایشان چراغ و تعلیم ایشان نور است و توبیخ تدبیرآمیز طریق حیات است» (همان، ۶: ۲۳).

«هر کس پدر و مادر خود را لعنت کند چراغش در ظلمت غلیظ خاموش خواهد شد» (همان، ۲۰: ۲۰).

«پدر خویش را که تو را تولید نمود گوش گیر و مادر خود را چون پیر شود خوار مشمار» (همان، ۲۳: ۲۲).

«پدر و مادرت شادمان خواهند شد و والده تو مسرور خواهد گردید» (همان، ۲۳: ۲۴).

«چشمی که پدر را استهزا می‌کند و اطاعت مادر را خوار می‌شمارد، غراب‌های وادی آن را خواهند کند و بچه‌های عقاب آن را خواهند خورد (همان، ۳۰: ۱۷).

از جمله تفاوت‌های سوره «لقمان» و «امثال» در خصوص راهنمایی تربیت فرزندان است که در فرازهایی، از جمله: ۱۳: ۲۴؛ ۱۹: ۱۸؛ ۲۲: ۶؛ ۲۲: ۱۵؛ ۲۳: ۱۳ در «امثال» آمده است. اما در سوره «لقمان» فقط اندرزهایی در خصوص رفتار با والدین آمده است.

۷-۲-۳. نکوهش غرور

لقمان در فرازهایی در خصوص مسائل اخلاقی و ارتباط با مردم و خویشان، به ادب، تواضع و فروتنی و خوشرویی توصیه می‌کند: «و از مردم [به نخوت] رُخ برمتاب، و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لافزن را دوست نمی‌دارد» (لقمان: ۱۸).

در «امثال» نیز در خصوص ادب، نهی از تکبر و توصیه به تواضع با دیگران اینچنین آمده است:

«چون تکبر می‌آید خجالت می‌آید، اما حکمت با متواضعان است» (امثال، ۱۱: ۲).

«چشمان بلند و دل متکبر و چراغ شریران گناه است» (همان، ۲۱: ۴).

«ترس خداوند مکروه داشتن بدی است. غرور و تکبر و راه بد و دهان دروغگو را مکروه می‌دارم» (همان، ۸: ۱۳).

«شش چیز است که خداوند از آنها نفرت دارد... چشمان متکبر» (همان، ۶: ۱۷).

«ادب را به چنگ آور و آن را فرو مگذار. آن را نگاهدار؛ زیرا که حیات توست» (همان، ۴: ۱۳).

«هرکه تأدیب را دوست می‌دارد معرفت را دوست می‌دارد» (همان، ۱۲: ۱).

۸-۲-۳. میانه‌روی در کردار و گفتار

از جمله برنامه‌های اخلاقی که به صورت گزاره‌های اثباتی، لقمان به فرزند خویش نصیحت می‌کند، میانه‌روی در راه رفتن است (لقمان: ۱۹).

در کتاب «امثال» نیز مسلح شدن به حکمت به انسانی تشبیه شده است که هنگام راه رفتن قدم‌هایش تنگ نخواهد شد: «راه حکمت را به تو تعلیم دادم... چون در راه بروی قدم‌های تو تنگ نخواهد شد و چون بدوی لغزش نخواهی خورد» (امثال، ۴: ۱۲).

در ادامه آیه فوق، اعتدال در سخن گفتن و کاستن از تن صدا توصیه شده است: «و صدایت را آهسته‌ساز، که بدترین آوازها بانگ خران است».

در کتاب «امثال» موت و حیات در قدرت زبان دانسته شده است (همان، ۱۸: ۲۱). «زبان ملایم به درخت حیات تشبیه شده است و کجی آن شکستگی روح است» (همان، ۱۵: ۴).

قدرت زبان از جمله مباحث مهم و تکراری در «امثال» است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

«جواب نرم خشم را برمی‌گرداند، اما سخن تلخ غیظ را به هیجان می‌آورد» (همان، ۱: ۱۵).

«هستند که مثل ضرب شمشیر حرف‌های باطل می‌زنند، اما زبان حکیمان شفا می‌بخشد» (همان، ۱۲: ۱۸).

«کثرت کلام از گناه خالی نمی‌باشد، اما آنکه لب‌هایش را ضبط نماید عاقل است. لب‌های عادلان بسیاری را رعایت می‌کند. لب‌های عادلان به امور مرضیه عارف است» (همان، ۱۰: ۱۹-۲۱ و ۳۲).

در خصوص سکوت و مقام والای آن نزد سلیمان روایات فراوانی در احادیث شیعه و اهل سنت وجود دارد؛ از جمله: «ای فرزندم، اگر سخن گفتن مانند نقره است، سکوت طلاست» (برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: موحدی محب، ۱۳۸۱، ص ۲۲۲).

۹-۲-۳. تقلید کورکورانه از اجداد

پیروی از نیاکان جاهل و منحرف مانع هدایت است که قرآن از آن به «راه شیطانی» یاد می‌کند: «و چون به آنان گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: [نه!] بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هرچند شیطان آنان را به سوی عذاب سوزان فراخواند؟» (لقمان: ۲۱)

درخصوص توصیف شروران و هدایت آنها به راه تاریکی در بند ۲ فقرات ۱۳ تا ۱۵ «امثال» آمده است:
 «راه‌های راستی را ترک می‌کنند و به طریق‌های تاریکی سالک می‌شوند. از عمل بد خشنودند و از دروغ‌های
 شیرین خرسندند که در راه‌های خود معوج‌اند و در طریق‌های خویش کجرو می‌باشند».

۱۰-۲-۳. تقوای الهی و ترس از خداوند

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَ اٰخْشَوْاْ يَوْمًا لَّآ يَخْزِيْ وَاٰلِدُ عَنْ وَاٰلِدِهِ» (لقمان: ۳۳)؛ ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید، و
 بترسید از روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی‌آید.

ترس از خداوند از مفاهیم پرتکرار در کتاب «امثال» است. برای نمونه:

«اموال اندک با ترس خداوند بهتر است از گنج عظیم با اضطراب» (امثال، ۱۵: ۱۶).

«ابتدای حکمت ترس خداوند است و معرفت قدوس فطانت می‌باشد» (همان، ۹: ۱۰).

نیز بنگرید به کتاب امثال، ۱: ۷، ۲۹: ۲، ۵: ۸، ۱۳: ۹، ۱۰: ۱۰، ۲۷: ۱۴، ۲۶: ۱۵، ۱۶: ۱۶، ۳۳: ۱۶، ۶: ۱۹، ۲۳:

۱۱-۲-۳. اجتناب از شرک بالله

یکتاپرستی بسان خداپرستی از فطریات انسان و اساس و ریشه تمام ادیان آسمانی است و دعوت تمام پیامبران بر
 این اساس بوده است. واقعیت یکتاپرستی را دو عقیده تشکیل می‌دهد: نخست. این جهان صانعی دارد. دوم. سازنده
 این جهان یکی است (سبحانی، ۱۳۵۴، ص ۱۰۶).

در آیه ۱۳ سوره «لقمان» می‌خوانیم: «ای پسرک من، به خدا شرک میاور که به راستی شرک ستمی
 بزرگ است».

«بسیاری لطف حاکم را می‌طلبند، اما داوری انسان از جانب خداوند است» (امثال، ۲۹: ۲۶).

۱۲-۲-۳. هدایت خداوند

بدون تقوا روح تسلیم و پذیرش حقایق در انسان زنده نمی‌شود و طبعاً هدایتی در کار نخواهد بود. در مرحله ایمان،
 علاوه بر هدایت، بشارت به نعمت‌های الهی نیز وجود خواهد داشت. در آیه ۵ سوره «لقمان» هدایت محسنین از
 جانب خداوند تضمین شده است: «وَأُوْتِيكَ عَلٰی هُدٰى مِّنْ رَبِّهِمْ وَأُوْتِيكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ»؛ آنانند که از جانب
 پروردگارش از هدایت برخوردارند، و ایشانند که رستگارانند.

در «امثال» نیز موارد متعددی درخصوص توکل و هدایت خداوند آمده است:

«اعمال خود را به خدا تفویض کن تا فکرهای تو استوار شود» (امثال، ۱۶: ۳).

«دل انسان در طریقتش تفکر می‌کند، اما خداوند قدم‌هایش را استوار می‌سازد» (همان، ۱۶: ۹).

«اینک مرد عادل بر زمین جزا خواهد یافت» (همان، ۱۱: ۳۱).

در منابع روایی شیعه و اهل سنت نیز بیانات بسیار مشابهی از قول لقمان در خصوص توکل به خداوند آمده است. برای نمونه: «لقمان حکیم می‌گفت: اگر چیزی به خدا سپرده شود خدای او را نگه می‌دارد» (برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: موحدی محب، ۱۳۸۱).

نتیجه‌گیری

قرآن و عهد عتیق بن‌مایه‌ها و گزاره‌های مشترکی در موضوعات حکمی دارند. در این جستار تناظرهای حکمی در سوره «لقمان» و کتاب «امثال» در دو محور «حکمت نظری» و «حکمت عملی» بررسی شد. مطابق یافته‌های به‌دست‌آمده، درون‌مایه‌های اصلی مشترک دو حکمت‌نامه اسلامی و یهودی در حکمت نظری عبارتند از: حکمت و تدبیر خداوند در آفرینش هستی و قدرت او بر همه چیز، یگانگی خداوند، علم الهی بر تمامی اعمال نیک و بد انسان‌ها، فرجام هستی، هدایت الهی.

در حکمت عملی از جمله درون‌مایه‌های مشترک عبارت است از: پایبندی به شریعت، برشمردن ویژگی‌های نیکوکاران و کافران، میانه‌روی در گفتار و کردار، احترام و پیروی از والدین، نهی از پیروی شیطان، نکوهش غرور، فطرت توحیدی. در برخی موارد مذکور، بجز اشتراکات مضمونی، میان سوره «لقمان» و کتاب «امثال» در عبارات نیز همانندی بارزی به چشم می‌خورد. اشتراکات مضمونی می‌تواند مؤید این قول باشد که از جنبهٔ متنی و نه رجالی، هویت لقمان با صاحب کتاب «امثال سلیمان» شباهت دارد.

از جمله تفاوت‌های دو کتاب می‌توان به برجسته نشدن قیامت به صورت جزئی در کتاب «امثال سلیمان» نسبت به سوره «لقمان» اشاره کرد. تفاوت دیگر اینکه در قرآن به موارد انجام دستورات الهی، یعنی برخی احکام (همانند نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر) به صورت جزئی اشاره شده که در «امثال» به صورت کلی‌تر پایبندی به شریعت آمده است.

شکرگزاری از الله نیز از جمله مواردی است که در سوره «لقمان» به صورت صریح آمده است: «أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ». اما مضمون مشابهی در کتاب «امثال» یافت نشد.

منابع

- قرآن کریم، ۱۳۸۹، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- کتاب مقدس، ۲۰۰۲م، ترجمه شامل کتب عهد عتیق و جدید، چ سوم، انتشارات ایلام.
- اسلامی، سیدحسین، ۱۳۸۶، «دامنه معنایی حکمت در قرآن»، *علوم حدیث*، ش ۴۳، ص ۲۹-۵۷.
- امین، سیدمهدی، ۱۳۹۰، *اصحاب کهف و لقمان حکیم و حوادث تاریخی بعد از مسیح*، قم، بیان جوان.
- انصاریان، حسین، ۱۳۷۸، *لقمان حکیم*، قم، ام‌ابیه.
- البلتاجی، محمد الانور احمد، ۱۴۱۸ق، *من وصایا القرآن الکریم نظرات حول وصایا لقمان الحکیم*، قاهره، دارالمنار.
- حاجی اکبری، فاطمه و مجتبی شکوری، ۱۳۹۹، «بررسی تطبیقی گزاره‌های زیست محیطی در قرآن و مزامیر عهد عتیق»، *معرفت ادیان*، سال یازدهم، ش ۴، ص ۱۹-۳۱.
- حجتی، محمدباقر و عبدالله موحدی محب، ۱۴۲۳ق، «تحقیق حول شخصیت لقمان الحکیم و التطبيقات الواردة فيه»، *دراسات فی العلوم الانسانیة*، السنة ۹، العدد ۲، ص ۱۸-۲۷.
- حسینی لمردی، سیدابراهیم، ۱۳۸۹، «شیوه‌های تعلیم و تربیت در اندرزه‌های لقمان حکیم»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، ش ۱۶، ص ۲-۲۶.
- حیدری، حسین و حسن پاشایی، ۱۳۸۹، «دگرگونی‌های مفهومی حکمت در عهد قدیم و عهد جدید»، *ادیان و عرفان*، سال چهل و سوم، ش ۲، ص ۳۱-۵۶.
- _____ و خدیجه کاردوست فینی، ۱۳۹۲، «حکمت و حکومت و خطای سلیمان در عهد عتیق با نگاهی به دیدگاه قرآن کریم»، *معرفت ادیان*، سال چهارم، ش ۳، ص ۸۵-۶۱.
- _____ و فاطمه حاجی اکبری، ۱۳۹۳، «بن‌مایه‌های مشترک در مزامیر و احادیث مربوط به داود در متون اسلامی»، *معرفت ادیان*، ش ۱۹، ص ۴۵-۹۹.
- رمضان یوسف، محمدخبر، ۱۴۲۰ق، *اللقمان الحکیم و حکمه* (دراسة تحليلية مقارنة على ضوء القرآن والسنة والتاريخ)، بیروت، دارالقلم.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۵۴، *مربی نمونه: تفسیر سوره لقمان*، قم، دارالتبلیغ اسلامی.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، ۱۳۹۸، *یهودیت*، قم، کتاب طه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- محمدی اشتهداری، محمد، ۱۳۸۰، «حکمت‌های دهگانه لقمان در قرآن»، *پاسدار اسلام*، ش ۲۲۷، ص ۳۰-۳۳.
- محمدی ری شهری، محمد و همکاران، ۱۳۸۶، *حکمت‌نامه لقمان*، قم، دارالحديث.
- مرادی، آرزو، ۱۳۹۲، *تبیین روش‌های تربیتی حضرت علی و لقمان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء.
- مقدس، علیرضا، ۱۳۹۰، «بررسی مبانی مهارت‌های اجتماعی از دیدگاه لقمان حکیم»، *روان‌شناسی تربیتی*، ش ۲۱، ص ۹۱-۱۱۷.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۶۲، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موحدی محب، عبدالله، ۱۳۸۰، «بررسی شخصیت تاریخی لقمان حکیم»، *فقه و اصول*، ش ۵۳و۵۴، ص ۱۱۵-۱۵۶.
- _____، ۱۳۸۱، *لقمان حکیم و بررسی تطبیقی حکمت‌های او در روایات فریقین با نگاهی به متون عهدین*، رساله دکتری، قم، دانشگاه قم.
- _____، ۱۳۸۹، *لقمان حکیم و بررسی تطبیقی حکمت‌های او در روایات فریقین*، قم، بوستان کتاب.
- میناخانی، مریم، ۱۳۹۴، *ساختار معنایی سوره لقمان با محوریت حکمت قرآنی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- نابلسی، محمدمصطفی، ۱۴۱۵ق، *نظرات فی وصیته لقمان و نتایج التریبه فی القرآن*، عمان، دارالفرقان.
- هلی، هنری، ۲۰۰۰م، *راهنمای مطالعه کتاب مقدس*، ترجمه جسیکا باباخانیان و سابرینا بدلیان و ادوارد عیسی بیک، زیرنظر کشیش ساروخاچیکی، بی‌تا، بی‌جا.
- همت‌بناری، علی، ۱۳۹۷، «الگوی تربیت فرزند بر مبنای تحلیل و تفسیر سوره لقمان»، *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ش ۸، ص ۴۱-۶۰.
- یعقوبی، احمدین اسحاق، بی‌تا، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر.
- Comay, Joan, 2002, *Who's Who in the Old Testament*, London & New York, Routledge.
- Norman Henry Snaith & S. David Sperlin, 1996, *Encyclopaedia Judaica Jeru salem*, Jerusalem, Keter Publishing House.
- Karesh, sara E. and Mitchell M. Hurvitz, 2006, *Encyclopedia of World Religions, Encyclopedia of Judaism*. Editor: J. Gordon Melton, New York, Facts On File, Inc.
- Scott, Robert B.Y. ,1978-1982, Wisdom in *Encycloaedia Judaica*, V. 16, first publish, Jerusalem: Keter Publishing House, and in New York City b y the Macmillan Company.
- Singer, Isidore, 1901, *The Jewish Encyclopedia*, New York, KTAV Publishing House.